



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۱۰ اسفند ۱۳۹۹

موضوع جزئی: مسئله ۲۳- تمه: بررسی مشروعیت الزام به حجاب در حکومت اسلامی -

مصادف با: ۱۶ رجب ۱۴۴۲

مقدمه: حجاب، حکمی فردی یا اجتماعی - ادله اجتماعی بودن حجاب

جلسه: ۹۱

سال سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض شد قبل از ورود به بحث از ادله مشروعیت الزام به حجاب در حکومت اسلامی، لازم است مطلبی را به عنوان مقدمه مورد بررسی قرار دهیم و آن اینکه آیا اساساً حجاب یک امر فردی است یا اجتماعی؟ یک حکم فردی است یا اجتماعی؟ به تعبیر دیگر حق فردی است یا فردی نیست؟ جزء حریم خصوصی محسوب می‌شود یا نه؟ به هر حال تعابیر مختلفی از این مطلب که یک بحث و نزاع صغروی است، شده. ما ادعا کردیم حجاب یک امری است که هر چند فردی محسوب می‌شود اما دارای اثر اجتماعی است. چند دلیل بر این ادعا می‌توان اقامه کرد؛ دلیل اول این است که این مطلب یک امر وجدانی است. یعنی با اندک تأمل درباره پوشش و حجاب و آثاری که در دیگران (به شرطی که در مرئی و منظر آنها باشد) می‌گذارد معلوم می‌گردد که این مسأله‌ای اجتماعی است.

دلیل دوم: آیات

دلیل دوم، حکمت‌هایی است که در برخی از آیات برای حجاب ذکر شده است. باز تأکید می‌کنم آنچه در آیات ذکر شده صرف نظر از دلالت و مقدار و الزامی بودن آن، می‌تواند ما را ارشاد و راهنمایی کند که این یک امر اجتماعی است. حکمت‌هایی از قبیل «ذلک ازکی»، یا «اطهر»، یا در آیه مربوط به قواعد من النساء که «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»، بر اجتماعی بودن آن دلالت دارد؛ این استعفافی که بعد از جواز وضع حجاب و کنار گذاشتن حجاب و پوشش سراسری روی لباس‌ها و خمارشان مطرح شده، و نیز تعبیر «ذَلِكُ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَنَنَّ»، مجموعه حکمت‌هایی که در این آیات به دنبال برخی از احکام مربوط به حجاب ذکر شده، این خودش ارشاد به اجتماعی بودن امر حجاب دارد. باز تأکید می‌کنم که ما اینجا فقط می‌خواهیم به این مسأله تأکید کنیم که بالاخره لولا اجتماعی بودن و اثر اجتماعی این مسأله، این حکمت‌ها هم وجهی نداشت. اینکه مثلاً می‌فرماید «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكُ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَنَنَّ»، حالا اصلاً ما بگوییم این برای تمیز زنان آزاد از زنان کنیز است؛ یا بگوییم برای تمیز زنانی که عقیف هستند از غیر عقیف؛ و همچنین چه «یدنین علیهن من جلابیبهن» را بر آن پوشش سراسری حمل کنیم و چه بر خصوص روسری حمل کنیم، همین که در این آیه به یک نحوه پوشش اشاره کرده که این کار را انجام دهند، این برای آنکه شناخته نشوند، برای اینکه اذیت نشوند و دیگران آنها را اذیت نکنند، این خودش به تنهایی کافی است برای اینکه معلوم شود که پوشش یک امر

اجتماعی است. چون غیر از پوشش که بحث دیگری در اینجا مطرح نشده است؛ بحث پوشش و جلباب است، می‌گوید این کار را بکنند تا چنین اثر و ثمری نداشته باشد. لو لا این جهت اجتماعی، برای چه چنین توصیه‌ای شود؟ آیا باز هم می‌توانیم بگوییم این یک عمل فردی محض است و هیچ اثر اجتماعی ندارد؟ این بالاخره یک اتصال و ارتباطی با اجتماع پیدا می‌کند و یک اثر اجتماعی دارد.

در آیه مربوط به قواعد من النساء که استثنا شده و می‌فرماید: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»، آنجا اجازه می‌دهد زنان به سن یأس رسیده یا زنانی که رغبتی به ازدواج با آنها نیست، اینها حجاب و پوشش خود را کنار بگذارند؛ ثياب را هم معنا کرده‌اند که منظور چیست؛ منظور این نیست که برهنه شوند؛ می‌گوید آن پوشش‌های سراسری که روی سر و لباس‌های عادی خود می‌پوشیدند، آنها را می‌توانند کنار بگذارند. بعد در ادامه می‌گوید «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ»، با اینکه این پوشش را می‌خواهند کنار بگذارند ولی در عین حال حفظ عفاف و پاکدامنی برای آنها خیلی بهتر است. اگر پوشش با مسأله عفاف و عفت و اثری که در مورد دیگران و در دیگران می‌گذارد ارتباط نداشت، ذکر این جهت معنا نداشت. لذا این به آن جنبه اجتماعی توجه دارد.

سؤال:

استاد: عفت خودشان را حفظ کنند، عفت و پاکدامنی از چیست؟ ... عفاف درست است غیر از پوشش است ... حفظ خویشتن، حفظ نفس، عفاف و پاکدامنی، ... اتفاقاً عرض ما این است که شاید گمان شود که عفاف یک امر درونی است و ربطی به دیگران ندارد ولی عرض ما این است که وقتی آیه جواز رفع پوشش مطرح را می‌کند و به دنبالش مسأله استعفاف را به میان می‌آورد، در واقع دارد به همان اثر اجتماعی پوشش اشاره می‌کند که این پوشش را که کنار می‌گذارید حواستان باشد که مسأله عفاف و پاکدامنی در همه حال باید حفظ شود. لذا این یک پیوند محکمی دارد با مسأله پوشش و ارتباط با دیگران؛ چیزی که ما در اینجا عرض می‌کنیم این است که از این آیه می‌توانیم حیث اجتماعی مسأله پوشش و به دنبالش عفت و پاکدامنی را استفاده کنیم. اینجا بعضی‌ها از همین منظر نه در خصوص این آیه بلکه به طور کلی گفته‌اند عفت و پاکدامنی یک امر قلبی و درونی است و هیچ ارتباطی به پوشش و حجاب ندارد و یک امر فردی محسوب می‌شود؛ عفت یک امر اجتماعی نیست. برخی اینطور گفته‌اند که مسأله عفت و عفاف و پاکدامنی یک امر قلبی است و لذا فردی محسوب می‌شود و نه اجتماعی. اتفاقاً عرض ما این است که درست است عفت و پاکدامنی فی نفسه یک امر قلبی و درونی است؛ می‌گوید مواظب باشید، پاکدامن باشید، عفت خودتان را حفظ کنید، شخصیت عقیف داشته باشید؛ ولی وقتی عفت به دنبال این پوشش و با توجه به استثنائی که در اینجا شده، دقیقاً به آن حیث اجتماعی‌اش دارد توجه می‌کند. در آیه مربوط به قواعد من النساء می‌گوید می‌تواند پوشش خود را بردارد؛ نفس استثناء قواعد و توصیه به عفاف بعد از آن، نشانه اجتماعی بودن است. بحث این است که پوشش کأن برای غیر قواعد من النساء لازم است و حق ندارند بردارند. وقتی استثناء می‌کند قواعد من النساء را، می‌گوید شما می‌توانید بردارید. اینها برای چه می‌توانند بردارند؟ چون رغبتی به ازدواج با آنها نیست؛ چون مثلاً به سن یأس رسیده‌اند. نفس استثناء قواعد من النساء از مسأله پوشش، دقیقاً اشاره دارد به آن حیث اثر اجتماعی پوشش. یعنی اگر قواعد من النساء پوشش نداشته باشند خیلی مورد توجه نیستند و اثر ندارد؛ اما همین‌ها هم استعفاف پیشه کنند و خویشتنداری و رعایت کنند، این بهتر است.

واقعاً جهت دیگری نمی‌توان تصویر کرد که قواعد من النساء استثنا شده‌اند. اینها کسانی هستند که رغبتی به سوی آنها نیست و در عین حال به همین‌ها گفته شده که استعفاف داشته باشید. عرض من این است که مجموع این آیه و حکمتی که در ذیل آن ذکر شده یا توصیه‌ای که در ادامه ذکر شده اینها مجموعاً نشان می‌دهد که این یک امر اجتماعی است. لو لا جنبه اجتماعی ... من عقیده‌ام این است که استثنا خیلی وجهی ندارد.

اینها مجموعه قرائنی است که ما را هدایت می‌کند به این سمت که این مسأله‌ای اجتماعی است. پس بعضی از آیات ما را به سوی اجتماعی بودن یا به تعبیر دیگر دارای اثر اجتماعی بودن راهنمایی می‌کند.

دلیل سوم: روایات

می‌آییم سراغ روایات؛ در روایات هم حکمت‌هایی برای پوشش ذکر شده که این حکمت‌ها هم غالباً با اثر اجتماعی سازگار هستند؛ اصلاً هم نمی‌گوییم علت بلکه می‌گوییم حکمت‌های پوشش؛ چون علت بودن بعضی از اینها محل بحث است ولی حکمت هم که باشند برای اثبات اجتماعی بودن پوشش کافی است. برخی از این روایات مربوط به باب «تحریم النظر الی النساء الاجانب و شعورهن» است، باب ۱۰۴ از ابواب مقدمات نکاح. در این باب روایات متعددی ذکر شده تعبیری مثل «سهم من سهام ابلیس»، «یورث حسرة طویلة»، یا «یزرع الشهوة»، «اثارة الفتنة»، «تهییج الی الفساد»، «الوصول فیما لایحل و لایجمل»، «تهییج الرجال»، اینها تعبیری است که در باب نظر عمدتاً ذکر شده است. در روایت علل الشرایع «حرم النظر لما فیه من تهییج الرجال...»، یا آن روایتی که نظر را سهمی از سهام ابلیس می‌داند، اینها در وسائل، ج ۲۰، باب ۱۰۴ از ابواب تحریم النظر الی النساء الاجانب ذکر شده است. مسأله زرع الشهوة، اثارة الفتنة، تهییج الی الفساد، اینکه نظر باعث این امور می‌شود. این آثار البته ممکن است حتی در مورد صورت زن هم که لازم نیست پوشیده شود، این آثار را به دنبالش داشته باشد؛ اما اینجا تحریم النظر الی النساء الاجانب و شعورهن، یعنی نظر به مو نه فقط صورت، هر گونه نظر به مو و به زن، این دیگر همه اعضا را می‌گیرد، یک چنین آثاری دارد. اگر بخواهد این آثار محقق شود و این آثار فرض کنیم براساس نظر ترتب پیدا می‌کند و نظر به بعضی از قسمت‌هایی است که زن نپوشانده، مثلاً سر، گردن، سینه و بازو را نپوشانده، یک چنین آثاری دارد. لذا گفته‌اند نگاه نکنید به خاطر این آثار؛ و خودتان را بیوشانید که این ممکن است منجر به بعضی از این امور شود. این را عرض کردم که اینها بیشتر برای نظر ذکر شده است؛ ولی باز به تبع پوشش است که اینها اتفاق می‌افتد. فرض می‌کنیم کسی خودش را نپوشاند یا مویش را نپوشاند، این قهراً به دنبالش این آثار پیش می‌آید؛ قهراً یعنی غالباً یا اینکه مقتضی آن فراهم می‌شود.

اینها همه حکایت از اجتماعی بودن پوشش دارد؛ این سلسله را وقتی انسان نگاه می‌کند، وقتی می‌گوید نظر این آثار را دارد و این به دنبال نوع پوشش محقق می‌شود، پس معلوم می‌شود پوشش یک امر دارای اثر اجتماعی است؛ نمی‌گوییم لزوماً فقط همین است، ولی می‌خواهیم عرض کنیم که اساساً نوع پوشش است که موجب نظر دیگران می‌شود و نظر هم این آثار را دارد. لذا این دلالت می‌کند بر اینکه این یک امر اجتماعی است؛ لو لا امر اجتماعی، این آثار اصلاً در موردش ذکر نمی‌شد. این ادل دلیل بر اجتماعی بودن این عمل و این رفتار است. این جز با اجتماعی بودن سازگار نیست. من نمی‌خواهم بگویم همه جا همین طور است.

سؤال:

استاد: من نمی‌خواهم از این نتیجه بگیرم که پس باید همه جا را ببوشانند؛ می‌گویم آنچه از آثار برای نظر گفته‌اند، این حکایت از تأثیر اجتماعی پوشش است. اصلاً شما بگویید اینها مربوط به نظر با لذت است ولی تنها جهت آن نیست، بلکه یکی از چیزهایی که باعث این امور می‌شود و این آثار ولو مع الواسطه به دنبالش پیدا می‌شود، این حکایت از اجتماعی بودن این عمل دارد؛ این معنایش آن است که این یک عمل دارای اثر اجتماعی است. همین چیزهایی که برای نظر گفته‌اند، ولو اینها در نظر مع التلذذ و الشهوة ثابت است. من از اینجا هیچ حکمی نمی‌خواهم استنباط کنم؛ نمی‌خواهم بگویم پس نظر حرام است، پس پوشش از سر تا پا واجب است؛ اصلاً کاری به مقدار پوشش و نوع نظر نداریم. ما می‌خواهیم بگوییم نفس ذکر این آثار برای نظر که بالاخره با پوشش مربوط است، حکایت از این دارد که پوشش دارای یک اثر اجتماعی است. به‌هرحال مسأله پوشش خواه ناخواه اثر اجتماعی دارد؛ چرا؟ چون این روایات بحث نظر را مطرح می‌کند که این آثار مثل حسرة طويلة و... ولو با تلذذ هم باشد، بر آن مترتب می‌شود.

یا مثلاً در ابواب مختلف مربوط به نظر و پوشش می‌توانیم این حیث و جنبه را کشف کنیم. مثلاً باب ۹۸، باب «عدم جواز انکشاف المرأة بین یدی اليهودیة و النصرانیة و تحریم وصف الاجنبیة للرجال»، این باب روایاتی دارد که می‌گوید زن مسلمان در مقابل زنان یهودی و نصرانی بدون پوشش نباشد؛ چرا؟ حالا در آن روایات حکمتش را گفته‌اند. البته این کراهت دارد، نه اینکه منع و حرمت از آن استفاده شود. می‌گوید وقتی که جلوی اینها خودشان را قرار می‌دهند، اینها برای آنها نقل می‌کنند. من کاری با این حکم فی نفسه ندارم؛ می‌خواهم اثر اجتماعی پوشش را استفاده کنم که پوشش قطعاً از اعمال و اموری است که دارای اثر اجتماعی است و الا این روایت چه وجهی دارد؟ من نمی‌خواهم بگویم این مسأله کاملاً یک عمل اجتماعی است؛ نه، اگر کسی در خانه هیچ پوششی نداشته باشد اینکه مسلم است که اجتماعی نیست. بحث در مرئی و منظر دیگران است؛ نمی‌خواهیم بگوییم این عمل فی نفسه و ذاتاً یک عمل اجتماعی است. بلکه عملی است که دارای اثر اجتماعی است. دارای اثر اجتماعی است یعنی وقتی در مرئی و منظر دیگران واقع شود این آثار را دارد. ما شواهد روایی‌اش را عرض می‌کنیم.

سؤال:

استاد: عدم جواز انکشاف خودش نشان دهنده اثر اجتماعی هست یا نه؟ ... اصلاً می‌گویم به هر ملاکی که گفته باشد ... یعنی این کار تو موج دارد، می‌رسد به این ... اصلاً راجع به یک نفر یا یک صنف؛ بالاخره این دارای اثر اجتماعی هست یا نه؟ ... من شاهد برای شما می‌آورم که اینها نشانه‌های تأثیر اجتماعی‌اش است. می‌گوید اینجا این کار را بکن، آنجا آن کار را بکن؛ یک عمل فردی چطور می‌تواند ده جا دارای اثر اجتماعی باشد؟ ... ما می‌گوییم این عمل فردی است که بدون تأثیر اجتماعی نیست؛ اصلاً نمی‌تواند باشد. چرا؟ به این دلایل: وجدان، آیات این دلالت را دارد، روایات. ما روایات متعدد داریم؛ می‌گوییم اینکه گفته اینجا این کار را نکن، این جز این است که این دارای اثر اجتماعی است و می‌خواهد جلوی آن اثر را بگیرد؟ ... در همه این موارد وقتی اینها در کنار هم جمع می‌شود نشان می‌دهد که این عمل دارای اثر اجتماعی است.

پس ما روایاتی داریم که مربوط به نظر بود؛ گفتیم اینها آن حیث اجتماعی را می‌رساند. یک سری روایات را گفتیم بحث عدم جواز انکشاف را مطرح کرده یک سری روایات داریم که نظر به زنان غیر مسلمان را جایز دانسته، چرا؟ لاحرمه لנסاء اهل

الذمة أن ينظر الى شعورهن و ایدیهن. می گوید نگاه به زنان غیر مسلمان جایز است، چون آنها حرمت ندارند. یعنی پوشش را یک نوع احترام به زن می داند؛ این حرمت را عموماً به معنای احترام گرفته‌اند. روایاتش هم زیاد است؛ وسائل، ج ۲۰، ص ۲۰۵، باب ۱۱۲، ح ۱. در کافی هم آمده است، کافی، ج ۵، ص ۵۲۴، ح ۱. همین که می گوید به این زنان می توانید نگاه کنید چون لاحرمه لهن، مشکلی در نظر نیست؛ اما غیر اینها نمی شود به شعور و ایدی آنها نگاه کرد. این مسأله احترام، این در واقع خودش یک رفتار اجتماعی است. اینکه می گوید اینها حرمت ندارند و اینها حرمت دارند؛ حرمت گذاشتن یا حرمت نگذاشتن، احترام نهادن به زن، حرمت نهادن به زن یا عدم لزوم حرمت نهادن به زن دلیل اجتماعی بودن است.

پس کآن پوشش یک نوع احترام گذاشتن است و پوشش نداشتن یک هتک احترام از سوی خودش است. لذا وقتی این حرمت را حفظ نمی کند، شما می توانی نگاه کنی و اشکال ندارد؛ ولی دیگران این حرمت را دارند و نمی توان به آنها نگاه کرد. عرض من این است که مسأله احترام گذاشتن، اینکه آنها حرمت دارند و اینها حرمت ندارند، خود این حرمت داشتن و نداشتن که موجب می شود به یک گروه بشود نگاه کرد و به یک گروه نتوان نگاه کرد، این خودش در فضای اثر اجتماعی معنا دارد. اصلاً من نمی خواهم بگویم این علت است یا حکمت، نمی خواهم هیچ نتیجه‌ای در خصوص حکم بگیرم، می خواهم بگویم نفس ذکر این مسأله برای جواز نظر به شعور حکایت از دایره اثرگذاری پوشش است؛ وقتی پوشش ندارد و موهایش و دستش را نمی پوشاند، حرمتی برای خودش قائل نیست، می توان به او نگاه کرد. پس این دارای اثر اجتماعی است.

بعضی‌ها برای اینکه اثبات کنند حجاب یک امر فردی است، می گویند این احترام مربوط به خودش است و اصلاً دوست ندارد این احترام را، دلش نمی خواهد دیگران حریمش را حفظ کنند. آن را جواب خواهیم داد. اما این استدلال که واقعاً مقوله حرمت و احترام بالنسبة الی سایر افراد مجتمع معنا پیدا می کند، قابل توجه است.

سؤال:

استاد: حرمت غیر از کرامت است. اینکه انسان باید بزرگ داشته شود؛ اما الان فرض کنید کسی حرمت خودش را حفظ نمی کند، حالا این حرمت خودش را حفظ نمی کند، این اتفاقاً فقط در رابطه با دیگران معنا پیدا می کند. ... اثر اجتماعی داشتن یعنی چه؟ ... اثر اجتماعی داشتن یعنی یک چیزی که به نوعی دیگران و افراد دیگر را با این مرتبط کند؛ اصلاً با حقوق دیگران کاری ندارد. گفتم اثر اجتماعی یعنی به نوعی مرتبط شود با دیگران و ارتباط با دیگران پیدا کند. منتهی گاهی این عمل فردی دارای اثر اجتماعی مزاحم حقوق دیگران است و گاهی نیست؛ ... شما اثر اجتماعی را درست معنا نمی کنید؛ اثر اجتماعی هر نوع رفتار و سخن و کاری است که به نوعی در ارتباط با دیگران تجلی و نمود پیدا کند. ... این احترام را نمی خواهم حفظ کنم، یعنی من می خواهم طوری رفتار کنم که شما اصلاً به من بی احترامی کنی و حرمت مرا نادیده بگیری. ... این اگر در خانه‌اش هر کاری کند اثر اجتماعی ندارد. اما فرض بفرمایید این بیاید بیرون و در مرئی و منظر دیگران با یک هیأتی، اصلاً با دین هم کاری نداریم، با یک هیأت نامناسب بیاید، یک کار نامناسب کند، مجانبین حرمت و احترام ندارند؛ از باب اینکه عقل ندارند و کسی برای آنها تره هم خرد نمی کند. این حرمت نگذاشتن به واسطه ارتباطی است که با دیگران پیدا می شود؛ اثر اجتماعی‌اش است و الا لو لا آن اثر اجتماعی، اصلاً معنا ندارد. ...

در برخی آیات و روایات داریم که بین پوشش زن حر و کنیز فرق است؛ در همین آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ»

که در ادامه اش «ذَلِكَ أَذْنَى أَنْ يُعْرَفَنَّ فَلَا يُؤْذِنَنَّ» آمده در روایات هم بعضاً داریم بعضی از فقها هم این را گفته اند که به طور کلی بین پوشش زن آزاد و حره با کنیز تفاوت است؛ این تفاوت حاکی از آن است که کنیز حرمت و احترام ندارد و حره احترام دارد و اصلاً برخی فتوا داده اند یعنی گفته اند زنان اهل کتاب به منزله کنیز هستند؛ این حرمت نداشتن آنها را به این جهت دانسته اند. نفس اینکه این تفاوت را گذاشته اند و گفته اند اینها لازم نیست پوشش داشته باشند، آنها باید داشته باشند و این به خاطر این است که اینها احترام و حرمت دارند و آنها احترام و حرمت ندارند؛ این غیر از آن جنبه اجتماعی مفهومی دیگری می تواند داشته باشد؟

سؤال:

استاد: حرمت نزد چه کسی ندارند؟ احترام در مقایسه با دیگری معنا می کنند. ... اینها احترام دارند و آنها احترام ندارند؛ آنهایی که احترام دارند پوشش آنها باید اینطور باشد؛ یعنی مثلاً نگاه به آنها عیب ندارد. آنهایی که احترام دارند پوششان باید اینطور باشد. این احترام داشتن و نداشتن یعنی چه، احترام نزد چه کسی، حرمت نزد چه کسی؟ لو لا شخص دیگر اینجا اصلاً حرمت و احترام معنا پیدا می کند؟ ... تو هم لازم نیست احترام بگذاری، تو هم می توانی نگاه کنی. ... اتفاقاً حرمت و احترام دقیقاً ... یعنی قوام معنای احترام و حرمت با دیگران معنا پیدا می کند ... نفس ارتباط با دیگران، یعنی همین که یک ضلع این مسأله مرتبط شود با دیگران، این یعنی اثر اجتماعی؛ اصلاً من کار ندارم، خوب، بد، همین قدر که یک سیمی و یک ارتباطی و یک اتصالی بین این کار شما و دیگران ایجاد شود، این می شود یک عمل اجتماعی. منتهی گفتم شما می گوید در یک خانه نشسته و یک نفر هم در مقابلش است. ... آن چیزی که در مرئی و منظر مردم، یعنی در معابر عمومی، خیابان، کوچه، جاهایی که همه امکان رفت و آمد دارند؛ خارج از منزل و حریم خصوصی اوست. هر نوع اثر و هر نوع ارتباط و اتصالی این عمل با دیگران پیدا کند این می شود یک عمل دارای اثر اجتماعی من می خواهم این را اثبات کنم که حجاب عمل دارای اثر اجتماعی است و اینها هم شواهد آن است. ... وجدان، آیات، روایات در چیزهای مختلف، اینها همه حکایت و بعد مسأله مصالح و مفاسد است که این را در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»